

نگاهی به:

## احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار

محمّد باهر\*

احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار (۸۰۶-۸۹۵ق)، مشتمل بر: ملفوظات احرار به تحریر میر عبدالأول نیشابوری، ملفوظات احرار (مجموعه دیگر)، رقعات احرار، خوارق عادات احرار / تألیف مولانا شیخ، به تصحیح و با مقدمه و تعلیقات عارف نوشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول: ۱۳۸۰.

چکیده

خواجه عبیدالله احرار (۸۰۶-۸۹۵ هـ. ق) از عرفای پرآوازه سده نهم هجری و از مشایخ مشهور طریقت نقشبندیه است و بسیاری از دانشوران معروف علم و ادب و سیاست، همچون عبدالرحمن جامی، علیشیر نوایی، ظهیرالدین محمد بابر میرزا و... در شمار پیروان وی می‌باشند. از خواجه احرار، افزون بر چند رساله (همچون فقرات العارفين، رسالة والدیه و...) نامه‌ها و ملفوظاتی باقی مانده است که به اهتمام و تصحیح دکتر عارف نوشاهی در ضمن احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار (تهران، مرکز دانشگاهی، ۱۳۸۰) چاپ شده است.

نویسنده گفتار، ضمن معرفی کتاب مذکور، و اشاره به مزایا و جنبه‌های تحقیقی آن، اشتباهات مصحح را برشمرده است، که عبارتند از: ضبط نادرست

\*. کارشناس ارشد ادبیات عرب و منتقد متون.

برخی از واژه‌ها، ترجمه غلط بعضی از عبارات عربی متن در تعلیقات، و اغلاط مربوط به ضبط و اعراب‌گذاری بسیاری از جملات و عبارات عربی.

گردآوری گفتار مشایخ طریقت در مجالس آنان، در آداب کتاب‌نویسی اسلامی سنتی است دیرینه و نگارش ملفوظات در ادبیات عرفانی جایگاهی ویژه دارد. یکی از همین گونه آثار، ملفوظات احرار است که در واقع گنجینه‌ای است از نکات عرفانی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی و اثری است در خور توجه برای آگاهی از آموزه‌های طریقه نقشبندیه که با یک واسطه ما را با افکار و اندیشه‌های سرسلسله این طریقه آشنا می‌سازد.

استاد نوشاهی، مصحح فاضل این اثر، بر این باور است که تا نیمه نخست سده یازدهم هجری هفت کتاب مستقل به زبان فارسی در شرح حال و مناقب و خوارق و سخنان و تعلیمات احرار و مریدان و بازماندگان او به رشته تحریر در آمده است که از میان آنها تنها یک اثر پیشتر به چاپ رسیده است، و آن رشحات عین الحیات، تألیف فخرالدین علی سبزواری، است و در واقع می‌توان اثر مورد بحث را دومین کتاب از این مجموعه دانست. البته ناگفته نماند که در این اثر، ملفوظات احرار با دو تحریر و تدوین فراهم آمده است که تحریر نخست از آن میر عبدالأول نیشابوری و دومین تحریر از آن ملا محمد امین کرکی است. این تحریر اخیر به اضافه رقعات احرار به تدوین مصحح محترم و خوارق عادات خواجه عبیدالله احرار با گردآوری و تدوین مولانا شیخ، یکی از مریدان خواجه عبیدالله، بخش پیوست‌های کتاب را تشکیل می‌دهد که مجموعاً به غنای بیشتر اثر و فراهم آمدن مجموعه‌ای کامل در باره نامورترین حلقه سلسله نقشبندیه کمک کرده است.

افزون بر این گفتنی است تصحیح ملفوظات احرار به تحریر میر عبدالأول نیشابوری موضوع پایان‌نامه استاد نوشاهی در مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است که با بهره‌گیری از پنج نسخه خطی فراهم آمده است.

مصحح در تصحیح این اثر کوشیده است با نگارش مقدمه‌ای سودمند و پر مایه و با استفاده از منابع و مآخذ متعدد، وقایع زندگانی خواجه احرار را بررسی کند و به آثار وی از هر سو نظر افکند.

بررسی ملفوظات احرار از دیگر بخش‌های مقدمه مصحح است که در این بخش ضمن ارزیابی و بیان ویژگی‌های ملفوظات و گزارشی از نسخه‌های خطی آن، مضامین موجود در آن با ارائه جدولی تطبیقی با مضامین سلسله العارفین و رشحات عین الحیات مقایسه شده است.

این اثر افزون بر ویژگی‌های یاد شده دارای تعلیقات ارزشمند و راه‌گشایی است که اگر چه تمامی ابهامات و پیچیدگی‌های متن را بر طرف نمی‌سازد، اما به هر روی در تدوین و تهیه آن زحمت بسیار زیادی کشیده شده است و برای نگارش آن منابع مهم و فراوانی از نگاه دقیق و نازک‌بین مصحح گذشته است. وی کوشیده است با مراجعه به این منابع، نکاتی را در شرح و تفسیر مطالب ملفوظات و مآخذ اشعار بیان کند و عبارت‌های عربی، اعم از آیات و احادیث و اقوال و اشعار را به فارسی ترجمه نماید. این تعلیقات به همراه فهرستی از تفاوت میان نسخه‌های استفاده شده، در پایان هر یک از بخش‌های کتاب - به جز رقعات احرار - آمده و منابع مورد استفاده در تصحیح و نیز منابعی که به نحوی به احرار مربوط می‌شود، در پایان بخش اصلی (ملفوظات به تحریر میر عبدالاول نیشابوری) جای گرفته است.

وجود فهرست‌های چندگونه و متناسب با موضوعات کتاب، علاوه بر فهرست‌های متداول، از دیگر ویژگی‌های این اثر به شمار می‌رود و برای خواننده اهل تحقیق سخت مغتنم و ارجمند است. از جمله این فهرست‌ها می‌توان به فهرست معارف و دین، مفاهیم تصوف و نظام خانقاه، ابزارها و اصطلاحات موسیقی، اصطلاحات و مقادیر مالی، جانوران و پرندگان، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها و آرایش‌ها، آزارها (بیماری‌ها و دردها) و مسائل وابسته به آن، و... اشاره کرد. البته لازم است گفته شود که این فهرست‌ها تنها برای بخش اصلی کتاب گرد آمده و در مورد پیوست‌ها جز فهرست نام‌ها و جای‌های خاص و کتاب‌ها فهرست دیگری تنظیم نشده است. این دوگانگی در تهیه فهرست‌های متن، با توجه به تقسیم‌بندی اثر به دو بخش اصلی و پیوست، چندان حائز اهمیت نیست، گر چه جویندگان را از بازیابی مطالب و مفاهیم مورد نظر خود در بخش پیوست‌ها محروم می‌نماید.

مصحح محترم در تصحیح این اثر و ارائه متنی منقح از هیچ کوششی دریغ نکرده است و از این رو باید او را سپاس گفت و خدمت علمی و فرهنگی‌اش را ستود. با این حال بایسته است که گفته شود علی‌رغم این تلاش و کوشش، لغزش‌هایی نیز در متن به

چشم می خورد که برخی از این لغزش‌ها متوجّه مصحّح فاضل و برخی دیگر حاصل کم‌دقتی در مراحل نمونه‌خوانی و آماده‌سازی کتاب برای چاپ است، و از آنجا که در این گفتار، مجال پرداختن به تمامی این لغزش‌ها و ناراستی‌ها نیست، تنها به ذکر نمونه‌هایی از آنها بسنده می‌شود و یادآوری می‌گردد که وجود این گونه لغزش‌ها اگر چه در عرصه احیای متون در این مرز و بوم فراوان اتفاق می‌افتد، اما بی‌تردید از مصحّح نام‌آشنا و فرهیخته‌ای که نقدهای موشکافانه‌اش بر پاره‌ای از متون، از دقت و وسواسی تحسین برانگیز حکایت دارد، و نیز از ناشری که پرچمدار انتشار آثار ارزشمند علمی-دانشگاهی است، نمی‌تواند چندان عادی تلقی شود:

ص ۱۴۲، س ۱۹: در این صورت خشیت مراد نیست. مراد لازم خشیت است. «خشیت» - به تخفیف یاء - درست است.

ص ۱۴۶، س ۱: لاأحصى ثناء عليك... ترجمه این روایت در بخش تعلیقات (ص ۳۹۲، س ۶) ترجمه دقیق و خالی از اشکالی نیست. بهتر بود این روایت چنین ترجمه می‌شد: من نمی‌توانم، آن گونه که تو خود را ثنا گفته‌ای، ثنایت گویم.

ص ۱۵۵، س ۱۳-۱۴: من قال الله من غیر... در این عبارت «مشاهده» به اشتباه دنباله عبارت عربی آمده و در بخش تعلیقات (ص ۴۱۸، س ۱۵) نیز همین اشتباه در ترجمه آن تکرار شده است، در حالی که این واژه ربطی به عبارت عربی ندارد و آغاز جمله فارسی پس از آن است: مشاهده عبارت از حضور و آگاهی است به حقّ سبحانه. ص ۱۵۵، س ۲۲: وسبیل المکاسب... این عبارت در بخش تعلیقات (ص ۳۹۸، س ۲۰) اشتباه ترجمه شده است. ترجمه صحیح این گونه است: راه کسب و کار نزد جنید - با همان شرایطی که پیشتر ذکر شد - راه کارهایی است که انسان را به خدا نزدیک می‌کند.

ص ۱۵۸، س ۱۰: پیش بعضی کبرا ذلّت انبیا - علیهم الصلوة والسلام - مفسّر است به: شغل فاضل و ترک افضل. «زلّت انبیا» صحیح است و شایسته نیست آن را با ذلّت به معنای خواری و زبونی اشتباه گرفت. زلّت و لغزش انبیا یعنی پرداختن آنان به کاری و رها کردن کاری مهمتر از آن. و یا به عبارتی دیگر: «شغل فاضل و ترک افضل».

ص ۱۶۲، س ۲۴: وجه خاص. هاء وجه، هاء ملفوظ است و در حالت اضافه باید آن را با کسره اضافه (وجه خاص) و نه با همزه اضافه نمایاند. این اشتباه در جای دیگری نیز تکرار شده است: وجه کمال (ص ۲۸۷، س ۱۱).

ص ۲۲۰، س ۱۹: ابو سعید الخُدَری. ابو سعید الخُدَری - به ضمّ خاء - صحیح است. بنو خُدَرة قبیله‌ای کوچک از انصار و خُدَری منسوب به این قبیله است.

ص ۲۵۴، س ۱۴: إِنَّ مِنْ اعْظَمِ الْجِهَادِ.... «أَعْظَمِ الْجِهَادِ» - به کسر جیم - درست است. افزون بر اینکه ترجمه «سلطان جائز و حاکم جائز» در تعلیقات (ص ۴۴۵، س ۲۴) به «پادشاهی سخت‌گیر و حاکمی نادرست» چندان ترجمه درست و دقیقی نیست.

ص ۲۶۱، س ۲۱: دل را به کسی.... «هر کجا» در مصراع دوم این بیت با وزن سازگار نیست و باید آن را به «هر جا» تبدیل کرد.

ص ۲۶۳، س ۵: انعام و احسان، آن حضرت سبحانه. انعام و احسان آن حضرت سبحانه صحیح است (ویرگول زاید و مخلّ معنا است).

ص ۲۷۳، س ۵-۶: چون مرید از شیخ رجوع نماید و خواهد که پیش شیخ دیگر رود. فقد نقض عهد الله. نقطه زاید است و جمله با عبارت عربی پس از آن کامل می‌شود. در ضمن این عبارت اشاره‌ای است به آیه‌ای از قرآن (بقره / ۲۷؛ رعد / ۲۵) که در تعلیقات (ص ۴۵۲، س ۲۰) از آن سخن گفته نشده است.

ص ۲۷۶، س ۵ و ۹: تعبٌ و مشقّت. «تعب» - به تخفیف باء - صحیح است.

ص ۲۷۹، س ۶-۷: خصوصاً وقتی که به حسب خلقت بی تکلفتر باشد. به مصاحبت و اختلاط میل طبیعی هیچ نمی‌ماند. نقطه پس از «باشد» زاید و مخلّ معنا است.

ص ۲۷۹، س ۲۱: که گهی زین قوم.... در مصراع دوم این بیت «بیفتادست لهب» صحیح است، نه «بیفتاد دست لهب».

ص ۲۸۹، س ۲۳: حال سابق بسیار بسیار مُحل شکر بوده است. «محلّ شکر» درست است و معلوم نیست چرا مُحل - به ضمّ میم - ضبط شده است؟!

ص ۲۹۲، س ۸: شما در این صحبت خواستید که با حسن وجوه باشید. «به أحسن وجوه» صحیح است.

ص ۳۹۲، س ۸: احادیث صحّاح. «صحاح» - به کسر صاد و تخفیف حاء - صحیح است. همین اشتباه در مورد کتب صحاح (ص ۳۹۳، س ۲۰) تکرار شده و صحاح به صورت مشدّد آمده است.

ص ۴۲۰، س ۲۹: خواهی اطلس بیوش.... در این بیت دَلَق و خَلَق - به سکون لام - هم از نظر وزن و هم از نظر معنا صحیح است و معلوم نیست چرا دَلَق و خَلَق - به فتح

لام - ضبط شده اند؟!

ص ۴۳۸، س ۱۷: خواه زلال باشد و خواه کور. «خواه کدر» درست است.  
ص ۵۰۷، س ۱۷-۱۸: معرفت موقوف افتاده است بر تجلی حق سبحانه به. جمیع اوصاف در عین عبد. نقطه پس از «به» و پیش از «جمیع» زاید و مخلّ معنا است.  
ص ۵۰۸، س ۵: قدّس الله تعالی ارواحهم الله. واژه «الله» در پایان جمله دعایی زاید به نظر می‌رسد.

ص ۵۱۰، س ۱۵: مظهر اسم «المحیی». المحیی - به سکون حاء و تخفیف یاء - درست است.

ص ۵۶۱، س ۶: احتراز از آن با بلغ و جوه از ضرورات است. «به ابلغ و جوه» درست است.

ص ۵۶۵، س ۹: تو مباش اصلاً... این بیت در ادامه دو بیت پیشین نیست و باید از آن دو جدا شود.

ص ۵۶۹، س ۱۰: تا با ضاءت این نور... «تا به اضاءت این نور» درست است.  
افزون بر موارد یاد شده، به برخی دیگر از اغلاط - با ذکر صورت صحیح آنها - در زیر اشاره می‌شود. فراوانی اغلاط مربوط به ضبط و اعراب‌گذاری عبارتهای عربی تأمل برانگیز است:

ص ۱۴۵، س ۴: فی کلّ موجودٍ: فی کلّ موجودٍ.

ص ۱۴۶، س ۴: اِنَّه لَيُغَان: اِنَّه لَيُغَان.

ص ۱۴۶، س ۹: وَاَصْبِر: وَاَصْبِر.

ص ۱۴۸، س ۹: فی مَلَأْ خَيْرٌ مِنْه: فی مَلَأْ خَيْرٌ مِنْه.

ص ۱۵۴، س ۲: الْاِيْمَانُ بِطَرِيقِنَا: الْاِيْمَانُ بِطَرِيقِنَا.

ص ۱۵۵، س ۱۰: مِنْ غَيْرِ مَشَاهِدَةٍ: مِنْ غَيْرِ مَشَاهِدَةٍ.

ص ۱۵۵، س ۱۸: عِنْدَ الْجَنِيْدِ: عِنْدَ الْجَنِيْدِ.

ص ۱۸۶، س ۱۸: يُوْثِرُونَ الْقَلِيْلَ - أَى الطَّعَامِ - اللَّطِيْفِ اَعْلَى الْكَثِيْرِ الْكَثِيْفِ. «علی

الکثیر» صحیح است. علاوه بر اینکه ترجمه این عبارت در بخش تعلیقات (ص ۴۱۸،

س ۱۵) ترجمه نادرست و یا دست کم ترجمه مبهمی است. کثیف در عربی به معنای

انبوه و فراوان و ستبر آمده است و با کاربرد این واژه در زبان فارسی - که به معنای آلوده

است - متفاوت می‌باشد.

- ص ۱۹۵، س ۶: تَرَبَّى بِهَا: تَرَبَّى بِهَا.
- ص ۱۹۶، س ۱۱: فَاصْحَبُوا: فَاصْحَبُوا.
- ص ۲۲۰، س ۱۹-۲۱: وَلِيدَةٌ / وَلِيدَةٌ / بِمَاءَةٍ: بِمَاءَةٍ / سَمِعْتُ: سَمِعْتُ / الَا تَعَجِبُونَ: الَا تَعَجِبُونَ / الَا ظَنَنْتَ اِنَّ: الَا ظَنَنْتَ اِنَّ / لا يَلْتَقِيَانِ: لا يَلْتَقِيَانِ.
- ص ۲۵۱، س ۲۵: مَا عِبَدْتَ اَذْ عِبَدْتَ وَلَكِنَّ اللّٰهَ عِبْدَ: مَا عِبَدْتَ اَذْ عِبَدْتَ وَلَكِنَّ اللّٰهَ عِبْدَ وَلَكِنَّ اللّٰهَ عِبْدَ.
- ص ۲۵۳، س ۸: لَهُ مَكَاشِفَاتٌ كَوْنِيَّةٌ مَعَ مَخَالَفَاتٍ شَرْعِيَّةٍ: لَهُ مَكَاشِفَاتٌ كَوْنِيَّةٌ مَعَ مَخَالَفَاتٍ شَرْعِيَّةٍ.
- ص ۲۵۵، س ۲۰: الَا حَيَاءٌ مِنْهُمْ: الَا حَيَاءٌ مِنْهُمْ.
- ص ۲۶۴، س ۱: اَفْضَلُ اِيْمَانٍ الْمَرْءُ اَنْ يَعْلَمَ اِنَّ اللّٰهَ مَعَهُ: اَفْضَلُ اِيْمَانٍ الْمَرْءُ اَنْ يَعْلَمَ اِنَّ اللّٰهَ مَعَهُ.
- ص ۲۸۱، س ۲۶: يُوْذِيهِ: يُوْذِيهِ.
- ص ۳۱۰، س ۱۴: اللّٰهُمَّ اِنَّا نَجْعَلُكَ فِيْ بَخْوَرِهِمْ: اللّٰهُمَّ اِنَّا نَجْعَلُكَ فِيْ بَخْوَرِهِمْ.
- ص ۳۲۴، س ۹: خَيْرًا لِّجَزَاءٍ: خَيْرًا لِّجَزَاءٍ / وَاُجُوْجِهِمْ اِلَى لِقَاءٍ: وَاُجُوْجِهِمْ اِلَى لِقَاءٍ / وَالْوَالِدِيَّةِ: وَالْوَالِدِيَّةِ / الْبَلَاءِ: الْبَلَاءِ.
- ص ۳۹۲، س ۸: كَانَ يَقُوْلُ فِيْ آخِرِهِ وَتَرَهُ: كَانَ يَقُوْلُ فِيْ آخِرِهِ وَتَرَهُ.
- ص ۵۰۹، س ۸: وَلَا تُطْعُ: وَلَا تُطْعُ.
- ص ۵۹۲، س ۵: رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاسْكَنْتَ فِيْ جَوَارِ الْقُرْبِيَّةِ: رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاسْكَنْتَ فِيْ جَوَارِ الْقُرْبِيَّةِ.
- ص ۱۴۳، س ۱۰: مَحَبٌّ: مَحَبٌّ. قَرَارِ نَدَاشْتَنِ تَشْدِيْدِ دَرِ جَايِ خُوْدِ، دَرِ مَوَارِدِ مُتَعَدِّدِيْ بِهٖ چَشْمِ مِيْ خُوْرِدِ، مَانَنْدِ: اَتَمَّ: اَتَمَّ (ص ۱۵۰، س ۲۳) / مَنُوْرٌ: مَنُوْرٌ (ص ۱۵۰، س ۲۴) / مَشْرَفٌ: مَشْرَفٌ (ص ۱۵۴، س ۱) / مَهْمٌ: مَهْمٌ (ص ۱۹۵، س ۲۵) / مَمْدٌ: مَمْدٌ (ص ۲۸۲، س ۸) / مَقْرٌ: مَقْرٌ (ص ۵۱۲، س ۲) / مَتَصَوْرٌ: مَتَصَوْرٌ (ص ۵۱۶، س ۲).
- ص ۲۱۶، س ۲۳: مَزْدُوْرَانِ: مَزْدُوْرَانِ.
- ص ۲۶۰، س ۱۹: مَهْلِمٌ مَا: مَهْلِمٌ مَا.
- ص ۲۶۱، س ۲۴: سِحَانَه: سِبْحَانَه.
- ص ۴۴۳، س ۲۹: سَعَاتٌ: سَعَادَتٌ.
- ص ۵۶۵، س ۲۰: مَشْغُوْلٌ: مَشْغُوْلٌ.